حقوق زنان در طلاق غیابی از مردان مجهول المکان

مشاوره

زینب رنجبر
قاضی دادگستری تهران
و مدرس دانشگاه

گرایش به ازدواج و همسرگزینی از نیازهای طبیعی انسان است و از مهمترین کارکردهای آن ایجاد امنیت روحی و روانی، برآورده کردن نیازهای عاطفی و ایجاد آرامش و رأفت و همدلی است. ازدواج با پذیرش مسؤولیت و قبول تعهدات همراه است، وفاداری شرط بقای زوجیت است. در ازدواج سرنوشت زن و شوهر لاجرم به هم گره می خورد و در هم تأثیر قابل ملاحظه ای می گذارد. ازدواج با سایر مناسبات زندگی متفاوت است. وجود مشکلات در زندگی مشترک کاملاً عادی است. توجه به هدفهای والای زندگی مشترک اشتباهات و خطاها را در نظر محقر و کوچک می نمایاند. زاویه نگاهها را باید به سوی خودورزی و مصلحت اندیشی سوق داد اما با همه اینها زندگی سراسر زجرکشیدن و تحمل مصائب و در بلاتکلیفی بسر بردن نیست. به همین جهت قانونگذار به پیروی از شارع مقدس با وضع قوانین و مقرراتی طرفین ازدواج را به رعایت حقوق طرف مقابل و انجام تکالیف محوله ملزم نموده است زیرا همیشه حق با تکلیف ملازمت دارد که درقانون مدنی گرد آمده است. زن و شوهر از ارکان زندگی مشترک می باشند. ایفای نقش و انجام تکالیف ایجاب می کند آنها در زیر یک سقف زندگی مشترک داشته باشند به همین جهت در صورت تخلف از تکالیفی که زن و شوهر نسبت به هم دارند در قانون ضمانت اجراهایی نیز آمده است به عنوان مثال: مطابق ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگر هستند و در ماده ۱۱۰۶ مرد را مکلف به پرداخت نفقه به همسرش می کند.

اگر زن که وظیفه حسن معاشرت او ایجاب می کند که در قبال همسرش تمکین داشته باشد از انجام تکلیف مقرر بدون دلیل موجه امتناع کند «ناشزه» محسوب می شود و از حق دریافت نفقه محروم می شود. همچنین اگر مرد بدون دلیل از اختیاراتش در زندگی مشترک سوء استفاده کند و یا در پرداخت نفقه به همسرش کوتاهی کند در صورت تقاضای زن قانون وی را الزام به پرداخت نفقه می نماید و حتی مجازات حبس برای او پیش بینی شده است و در صورت عدم امکان الزام زن حق خواهد داشت از دادگاه تقاضای طلاق نماید. البته لازم به ذکر است که قانون مدنی به پیروی از فقه اختیار طلاق را برای مرد دانسته است. به موجب ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی مرد می تواند با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق همسرش را بنماید. البته وی باید قبل از اجرای صیغه طلاق حقوق قانونی همسرش را پرداخت نماید. اما زن نیز می تواند به عنوان آخرین چاره برای رهایی از زندگی مشقت بار و تحمل ناپذیر از دادگاه تقاضای طلاق نماید و دادگاه در صورتی براساس درخواست زن حکم صادر می کند که زن بتواند با استناد به دلایلی عسر و حرج خود را ثابت نماید و دادگاه آن را احراز نماید. عسر و حرج یعنی مشقت شدید که ادامه زندگی را برای زن غیرقابل تحمل می کند. به مقتضای قاعده لاجرج طلاق از شکل انحصاری خارج می شود و به زن نیز حق داده می شود که از دادگاه تقاضای طلاق نماید. از موارد دیگر که زن حق دارد از دادگاه تقاضای طلاق نماید همانطور که ذکر شد استکاف زوج از پرداخت نفقه به زن می باشد یا با اثبات تحقق شرط ضمن عقد در دادگاه با استفاده از وکالتی که از مرد می تواند خود را مطلقه نماید.

یکی از مصادیق عسر و حرج که منظور بحث حاضر است و زن می تواند به استناد عسر و حرج از دادگاه تقاضای طلاق نماید ترک زندگی مشترک توسط زوج می باشد زیرا در صورتی که زوج زندگی مشترک را ترک نماید نمی تواند تکالیفی را که در مقابل همسر خود دارد ایفا نماید و زن به حالت «کالمعلقه» درمی آید که با کلام متین خدا و توصیه های دینی مغایرت پیدا می کند.

در فرض غیبت زوج یا مجهول المکان بودن او و عدم دسترسی زوجه به نشانی و آدرس وی، زن می تواند به طرفیت خوانده «مجهول المکان» دادخواست طلاق تقدیم نماید که دوراه را برای اخذ طلاق می تواند انتخاب نماید:

۱- با استناد ماده ۱۰۲۹ قانون مدنی که مقرر داشته است «هر گاه شخصی چهار سال تمام غایب مفقودالاثر باشد، زن او می تواند تقاضای طلاق کند، در این صورت با رعایت ماده ۱۰۲۳، حاکم او را طلاق می دهد.»

غایب مفقودالاثر کسی است که از غیبت او مدت بالنسبه مدیدی گذشته و از او به هیچ وجه خبری نباشد. براساس ماده ۱۰۲۳ قانون مدنی دادگاه پس از تقدیم دادخواست طلاق از طرف زن در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار، سه دفعه متوالی به فاصله یک ماه آگهی می کند و اشخاصی را که ممکن است اطلاعاتی راجع به غایب داشته باشند دعوت می نماید تا دادگاه را از شرایط غایب مطلع نمایند. در صورتی که یک سال از تاریخ انتشار اولین آگهی بگذرد و آثاری از حیات غایب نرسد دادگاه حکم طلاق را صادر می کند و ماده ۱۱۵۶ تصریح دارد: «زنی که شوهر او غایب مفقودالاثر بوده و حاکم او را طلاق داده باشد، باید از تاریخ طلاق عده وفات نگاه دارد.» چنانچه شوهر قبل از انقضاء مدت عده مراجعت نماید، حق رجوع به همسر مطلقه خود را دارد ولی اگر مراجعه شوهر بعد از اتمام ایام عده زن باشد برای مرد حق رجوع نیست.

۲- طلاق زوجه با استناد به ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی و اعلام عسر و حرج: چنانچه غیبت شوهر برای وی ایجاد عسر و حرج کرده باشد و ادامه زندگی برای وی مشقت آور و زجرآور شده باشد می تواند تقاضای طلاق نماید. زیرا نشوز صفتی است که می تواند بر زوج و زوجه عارض شود و در صورتی که شوهر نتواند از انجام تکالیف زناشویی برآید عنوان نشوز بر وی نیز صدق می کند و بلاتکلیفی زن ممکن است سلامت و بهداشت روحی و روانی و به تبع آن سلامت جسمانی زن را تهدید کند و برای وی ایجاد عسر و حرج نماید.

از نظر تشریفات رسیدگی زن به عنوان «خواهان» موظف است نشانی دقیق خوانده را در دادخواست تعیین و اعلام نماید. ولی در فرض فوق و عدم اطلاع زوجه از نشانی زوج، وی دادخواست طلاق را به طرفیت خوانده «مجهول المکان» تقدیم می نماید یعنی در برگ دادخواست در ستون خوانده عبارت «مجهول المکان» را قید می نماید و تقاضای ابلاغ وقت دادرسی از طریق انتشار آگهی در روزنامه کثیرالانتشار را می نماید. (ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی) که رسیدگی به این دادخواست رسیدگی غیابی (بدون حضور خوانده درصورتی که به خوانده ابلاغ واقعی نشده باشد) از طریق انتشار آگهی در روزنامه کثیرالانتشار را می نماید. (ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی)

اما نکته ای که حائز اهمیت است و ذهن قضات شریف را به خود مشغول می دارد، این است که طبق تبصره ۲ ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی «اجرای حکم غیابی منوط به معرفی ضامن معتبر یا اخذ تأمین متناسب از محکوم له خواهد بود مگر اینکه دادنامه یا اجرائیه به محکوم علیه غایب ابلاغ واقعی نشده یا نامبرده در مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ دادنامه واخواهی نکرده باشد.» شرط ضامن معتبر و اخذ تأمین مناسب از زنی که در عسر و حرج ناشی از غیبت یا ترک زندگی زوج به سر می برد به چه معنی می تواند باشد البته این به معنی نادیده انگاشتن حقوق غایب نیست زیرا مورد مطرح شده از حساسیت خاصی برخوردار است و در صورتی که زن با گذاشتن تأمین مناسب و ضمان معتبر موفق به اخذ طلاق شد و پس از اجرای صیغه طلاق و انقضای ایام مربوط به عده تصمیم به ازدواج بگیرد و چنانچه صاحب فرزندی هم بشود در این مدت زوج پیدا شود و به حکم اعتراض نماید آیا دادگاه مرتکب کار بیهوده ای نشده است و آیا وضعیت اسفبار زوجه موجب سرخوردگی و افسردگی و مشکلات عدیده دیگری برای وی و فرزندش و همچنین زوج جدید نخواهد بود؟ حکومت قوانین برای رفع مشکل و فصل خصومت است، نفس غیبت زوج چه وی در آن بی تقصیر باشد یا با تقصیر برای زوجه ایجاد عسر و حرج نموده است و همانطور که در ماده ۱۰۳۰ آمده است مراجعت زوج بعد از انقضای عده در طلاق عسر و حرج نیز دعوی زوج را نسبت به ادامه زوجیت و انحلال نکاح فعلی زوجه بی اثر کند و نباید وضعیت ثبات ناشی از استفاده از حق قانونی و شرعی را متشنج و متلاطم نماید.

با توجه به تحولات زندگی و پیشرفت سریع تکنولوژی و آسان شدن مسافرت ها و دسترسی آسان و اقامت آسان در کشورهای دیگر از طرفی و آزادی مرد در استفاده از این امکانات و عدم دسترسی زوجه به وی و دلایل دیگر که ممکن است زوج نیز بی تقصیر باشد به هر حال قضات با پرونده های زیادی با تقدیم تقاضای طلاق به طرفیت زوج مجهول المکان مواجه می باشند که وظیفه دستگاه قضایی و نهاد قانونگذاری مرتفع نمودن این ابهامات و انجام اصلاحات در اینگونه قوانین است که به جای ایجاد آرامش، تشنج می آفریند و قضات شریف را در اجرای صحیح قانون با مشکل مواجه می سازد. یکی از راههای رسیدن به توسعه قضایی بازنگری و تجدیدنظر در اینگونه قوانین می باشد. اداره حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه در خصوص اجرای احکام غیابی که منوط به معرفی ضامن معتبر یا اخذ تأمین مناسب از محکوم له، است مگر اینکه دادنامه یا اجرائیه به محکوم علیه غایب ابلاغ واقعی شده باشد. در مورد اجرای احکام غیابی دادگاه خانواده اعم از طلاق، اجازه ازدواج مجدد، ازدواج به دختر در صورت مضایقه ولی قهری (پدر و جد پدری) طبق مواد(۱۰۴۳ و ۱۰۴۴) قانون مدنی ـ نوع و میزان اخذ ضمانت چگونه خواهد بود و در صورت اخذ تأمین و ضمانت، این ضمانت تا چه زمانی ادامه دارد؟

در پاسخ به سؤال فوق باید گفت: مقررات تبصره ۲ ماده ۳۰۶ قانون مذکور به کلیه احکام غیابی صادره از دادگاههای عمومی اعم از مالی و غیرمالی تسری دارد. صدور احکام غیابی طلاق نیز مشمول حکم مزبور است لیکن باید در نظر داشت که مصلحت نیست حکم غیابی طلاق قبل از ابلاغ واقعی و قطعیت اجرا شود زیرا ممکن است بعداً فسخ شود و تالی فاسد داشته باشد، اجازه ازدواج به دختر در صورت مضایقه ولی قهری (پدر و جد پدری) موضوع مواد(۱۰۴۳ و ۱۰۴۴) قانون مدنی نیز چنانچه حکم دادگاه غیابی باشد با توجه به استدلالی که در مورد حکم طلاق غیابی شد، مصلحت نیست که اجازه ازدواج غیابی به دختر باکره و قطعیت حکم اجرا شود. زیرا ممکن است بعداً فسخ شود. و تالی فاسد داشته باشد در خصوص ازدواج مجدد، مواد (۱۰۴۳ و ۱۰۴۴) قانون مدنی که در مورد ازدواج دختر باکره می باشد به ازدواج مجدد مصداق پیدا نمی کند زیرا ازدواج مجدد نیاز به اذن پدر و یا جد پدر ندارد و از شمول مواد فوق خارج است.

از آنجایی که احکام غیابی برای فصل خصومت بسیار ضروری است و در صورت عدم استفاده از آن مسائل و مشکلات حقوقی مردم بلاتکلیف و حل نشده باقی می ماند به همین جهت قانونگذار باتکیه بر احادیث و روایات و فتاوایی که در این خصوص وجود دارد، عدم حضور طرفین را مانع از رسیدگی و اتخاذ تصمیم ندانسته است. ماده ۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاههای عمومی و انقلاب مقرر نموده است «عدم حضور هر یک از اصحاب دعوی یا وکیل آنان در جلسه دادرسی مانع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نیست.»، با توجه به مجوز قانونی در رسیدگی به دعاوی بدون حضور یکی از اطراف پرونده نتیجه این دادرسی نیز باید عاری از پیامدهای ناگوار منفی باشد و به لحاظ رعایت مصلحت افراد و جامعه، مرور زمان به اعتراض به احکام غیابی را خدشه دار نکنیم و استثنائاتی که تالی فاسد دارد را حذف نماییم. واقعیت آن است که تحولات وسیع اجتماعی در ایران و افزایش سطح معلومات و آگاهی های جامعه زنان ایران، نیازمند قوانینی متناسب با شرایط فعلی و سازگار با اوضاع و احوال را می طلبد.

پرنسس دیانا

ملکه قلب های اندوهگین و بیماران لاعلاج

دیانا پرنسس ولز یا لیدی دیانافرانس اسپنسر در اول جولای سال ۱۹۶۱ در پارک هاوس، نزدیک ساندرینگهام، نورفولک به دنیا آمد. او کوچکترین دختر ویکنت جان ادوارد اسپنسر و ویکنتس فرانسز اسپنسر بود. پدرش ارل اسپنسر هشتم ازسال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۲ از ملازمان جرج ششم و ازسال ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۴ ملازم ملکه الیزابت بود. والدین دیانا که درسال ۱۹۵۴ ازدواج کرده بودند، درسال ۱۹۶۷ به طور موقت جدا و در سال ۱۹۶۹ رسماً از هم جدا شدند. لیدی دیانا، همراه دو خواهر بزرگترش سارا (متولد ۱۹۵۵) ، جین (متولد ۱۹۵۷) و برادر کوچک دیانا (متولد ۱۹۶۴) تا زمان فوت پدر بزرگشان ارل اسپنسر هفتم با پدر در پارک هاوس ساندرینگهام ، زندگی خود را ادامه دادند.

در سال ۱۹۷۵ خانواده اقامتگاه اسپنسر در آلتورپ (خانه ای قدیمی که درسال ۱۵۰۸ بنا شده است) در نورتهمپتون شایر میدلند نقل مکان کردند.

لیدی دیانا ابتدا به مدرسه مقدماتی در نورفولک و سپس به مدرسه شبانه روزی در کنت رفت در دوره دبستان او نشان داد استعداد ویژه ای در موسیقی (به عنوان یک پیانیست خبره)، رقص و علوم دارد و توانست جایزه ویژه افرادی را که به مدرسه و همکلاسان خود کمک می کنند دریافت کند.

وی سال ۱۹۷۷ مدرسه شبانه روزی را ترک و به مدرسه تکمیلی دختران در مؤسسه آلپین ویدمانته رامفونت سوئیس رفت و سال بعد پس از خاتمه ترم عید پاک این مدرسه را ترک کرد. سال بعد او به آپارتمانی در کول هرن لندن نقل مکان کرد. در اینجا اومدتی به عنوان پرستار از کودک یک زوج آمریکایی نگهداری کرد و سپس به عنوان مربی و آموزگار مهدکودک در مدرسه کودکان انگلیسی پیمیکو به کار مشغول شد.

۵ ازدواج و خانواده

در ۲۴ فوریه ۱۹۸۱ رسماً اعلام شد که لیدی دیانا با پرنس ولز ازدواج می کند. خانواده لیدی دیانا تا سال ۱۹۷۵ در ساندرینگهام زندگی می کردند و با خاندان سلطنتی انگلیس همسایه بودند و به خوبی یکدیگر را می شناختند. در نوامبر ۱۹۷۷ زمانی که پرنس چارلز برای گذراندن تعطیلات آخر هفته به آلتورپ دعوت شد، لیدی دیانا و پرنس چارلز مجدداً یکدیگر را ملاقات کردند. در ۲۹ جولای سال ۱۹۸۱ مراسم ازدواج این دو در کلیسای جامع سنت پل برگزار شد. اهمیت، زیبایی و شکوه این مراسم به حدی بود که شبکه تلویزیونی جهانی این مراسم را برای بیش از یک میلیارد نفر در دنیا پخش کرد. و صدها هزار نفر در کنار خیابان های بین کلیسا و قصر باکینگهام، محل برگزاری جشن عروسی ، صف کشیده بودند تا در این مراسم شرکت کنند. پس از ۳۰۰ سال پرنسس دیانا اولین زنی بود که با شاهزاده صاحب تاج وتخت یا به عبارتی ولیعهد انگلستان ازدواج می کرد (قبل از او لیدی آن هاید با پادشاه آینده و ولیعهد کشور ، جیمز دوم ازدواج کرده بود او از اجداد پرنسس دیانا بود) . زوج سلطنتی بخشی از سفر ماه عسل خود را در اقامتگاه خانوادگی در برادلند همپشایر گذرانده و سپس با کشتی سلطنتی سفری ۱۲ روزه به مصر کردند. با اقامتی کوتاه در بالمورال به سفر خود خاتمه دادند.

پس از مراجعت از سفر، آنان به محل زندگی خود در خانه های گرو نزدیک تنبوری گلوستر شایر رفتند و در لندن هم یک آپارتمان مشترک نزدیک قصر کنزینگتون گرفتند. پرنسس دیانا صاحب دو پسر به نام های پرنس ویلیام آرتور فیلیپ لوئیس (متولد ۲۱ ژوئن ۱۹۸۲) و پرنس هنری (هاری) چارلز آلبرت دیوید(متولد ۱۵ سپتامبر ۱۹۸۴) شد. او علاوه بر دو فرزندش ۱۷ فرزند خوانده نیز داشت.

در دسامبر ۱۹۹۲ اعلام شد که پرنس و پرنسس ولز توافق کردند که از هم جدا شوند و به این دلیل پرنسس دیانا محل زندگی و کار خودرا به قصر کنزینگتون برد و پرنس چارلز نیز در کاخ سنت جیمز اقامت کرد.

در نوامبر ۱۹۹۵ پرنسس در یک مصاحبه تلویزیونی شرکت کرد و در آن از شوربختی خود در زندگی خصوصی وفشارهای نقش اجتماعیش سخن گفت. در نهایت این زوج سلطنتی در ۲۸ آگوست سال ۱۹۹۶ رسماً از هم جدا شدند، اما در نگهداری از فرزندانشان و قبول مسؤولیت آنان به همکاری با هم ادامه دادند. پرنسس دیانا به عنوان مادر پرنس ویلیام دومین وارث سلطنت، هنوز جزو خاندان سلطنتی محسوب می شد مگر شد که وی پرنس ولز باقی بماند.

نقش اجتماعی

پس از ازدواج ، پرنسس دیانا در گیر مسؤولیت های اداری خاندان سلطنتی شد. او همراه پرنس چارلز به کشورهای مختلف از جمله استرالیا، زلاندنو، ایتالیا، مجدداً استرالیا (برای شرکت در جشن دویست سالگی استرالیا) برزیل، هند، کانادا، کامرون، اندونزی ، اسپانیا ، فرانسه ، پرتغال ، ژاپن (برای تاجگذاری امپراتور آکیهیتو) سفر کرد. وی برای اولین بار به تنهایی در سپتامبر ۱۹۸۲ به عنوان نماینده ملکه در مراسم خاکسپاری پرنسس گریس موناکو شرکت کرد. با وجودعلاقه پرنسس به هنر وحمایت او از طراحان جوان انگلیسی و گروه ملی باله انگلیس، شهرت او به دلیل فعالیت های او در مؤسسات خیریه بود.

او در طول زندگیش از بیش از ۱۰۰ مدرسه خیریه پشتیبانی کرد وبرای کمک به بی خانمانان ، معلولین، و کودکان و افراد مبتلا به ایدز تلاش فراوانی کرد.

پس از جدایی رسمی، او از بیشتر کارهای خود استعفا کرد و تنها به عنوان پشتیبان مؤسسه های خیریه بویژه افراد بی خانمان، مؤسسه حمایت از جذامیان، و مؤسسه ملی مبارزه با ایدز، رئیس بیمارستان کودکان و بیمارستان بزرگ اورموند استریت و بیمارستان سلطنتی مارسدن، حامی گروه بالله ملی انگلیس به کار خود ادامه داد.

درسال ۱۹۹۷ مراسمی برای فروش لباس هایی که پرنسس در مراسم رسمی پوشیده بود، در لندن و نیویورک برگزار گردید و پرنسس دیانا نیز در این مراسم شرکت نمود تا درآمد آن را صرف امور خیریه کند.

جشن تولد سی و ششمین سال پرنسس، آخرین روزتولدش را در اول جولای ۱۹۹۷ و همزمان با جشن صدمین سال گالری تت برگزار گردید. آخرین کار رسمی او در انگلیس روز ۲۱ جولای انجام گرفت و او از بیمارستان فوروویک پارک، ویژه کودکان آسیب دیده دیدن کرد.

پرنسس دیانا به حمایت از مبتلایان به ایدز، جذام، و کسانی که به دلیل انفجار مین های زمینی دچار نقص عضو شده بودند، شهرت داشت. او از بیان کردن مشکلات و مسائل این افراد واهمه ای نداشت و حمایت خودرا از کسانی که جامعه محدودشان کرده بود، دریغ نمی کرد. در سال ۱۹۸۷ زمانی که او در ملأ عام دست یک بیمار مبتلا به ایدز را در دست گرفت، مردم را شوکه کرد. وقتی که او دست یک فرد جذامی را در دست گرفت یا صورت او را نوازش می کرد، نظر عموم را نسبت به این افراد تغییر داده و برای آنان شانس زندگی بهتری را به وجود می آورد. او به کسانی که موفق به دیدارش می شدند آرامش می بخشید و الهام بخش کسانی بود که کارهای او را تماشا می کردند. کارهای بشر دوستانه ، نقش مهمی در زندگی او داشت.

بیشتر سفرهای خارج از کشور او برای رسیدگی به این امر مهم بود. او در سال ۱۹۹۲ در سفری به ایتالیا با مادر ترزا ملاقات کرد.

از یکسال قبل از مرگ اویکی از مبارزان فعال جلوگیری از تولید واستفاده از مین های زمینی بود. او در ژانویه سال ۱۹۹۷ به عنوان بخشی از سفرهای مبارزاتی اش از آنگولا دیدن کرد. در ماه ژوئن در کنفرانس مین های زمینی در انجمن سلطنتی جغرافیای لندن سخنرانی کرد. پیرو این برنامه وی به واشنگتن دی سی سفر کرد تا از ممبرازیات جمعیت صلیب سرخ آمریکا حمایت کند. در این سفر او در برونکس نیویورک با مادر ترزا دیدار کرد. در همین سال وی طی سفری به آفریقای جنوبی با نلسون ماندلا نیز ملاقات نمود.

در آخرین کار او قبل از مرگ ، طی یک سفر ۳ روزه به بوسنی، از ۷ تا ۱۰ آگوست، از برنامه و پروژه مبارزه با مین های زمینی در تراونیک ، سارایوو و زنیکا دیدن نمود.

در سراسر زندگیش مردم علاقه زیادی به عکس های اونشان می دادند و گرفتن یک عکس از او می توانست گیرنده آن را صاحب صدها هزار دلار کند. به همین جهت عکاسان به طور دائم به دنبال لحظه ای بودند که بتوانند با گرفتن عکس جدیدی از او ثروتمند شوند. در شب ۳۱ آگوست، زمانی که دیانا به همراه دوستش دودی آل فاید، هتل و نیز پاریس را ترک می کرد، با تعداد زیادی از عکاسان موتور سوار مواجه شد. فرار از دست این عکاسان سبب بروز حادثه ای شد. در این تصادف راننده ی پرنسس دیانا، دودی آل فاید و راننده آن جان خودرا از دست دادند.

وی طی مراسم باشکوهی به خاک سپرده شد به احترام همه کارهای خیر و عام المنفعه او، در روز خاکسپاری اش از نمایندگان مؤسسات خیریه که پرنسس دیانا در طول زندگیش با وی همکاری داشت، دعوت شد تا در مراسم شرکت کند و به همراه خانواده دیانا، دنیا تابوت او که از کاخ سنت جیمز به کلیسای وست مینستر حمل می شد، حرکت نماید.

در ۲ نوامبر سال ۲۰۰۲ ، رئیس جمهور سابق آفریقای جنوبی نلسون ماندلا اعلام کرد صندوق حمایت از کودکان نلسون ماندلا تصمیم دارد برای کمک به مبتلایان به ایدز آفریقای جنوبی و خانواده آنها و کمک به کودکانی که براثر این بیماری والدین خود را از دست داده اند، به صندوق یادبود دیانا، پرنسس ولز بپیوندد. ماندلا در کنفرانس مطبوعاتی در لندن چنین گفت: مراقبت از افرادی که در حال مرگ هستند و کمک به بازماندگان و داغداران این افراد و محرومان کاری بود که پرنسس دیانا در همه عمر انجام داد. او ادامه داد: مردم احساس کردند که اگر یک شاهزاده می تواند به بخش بیماران مبتلا به ایدز برود و با آنان هم کلام شود و دست آنان را در دست بگیرد، پس همه می توانند بدون هیچ نگرانی و افکار خرافی این کار را انجام دهند.

منبع: اینترنت

برگردان معصومه پیروزبخت